هفته‌نامه دولتخانه کیش
شماره انتشار: ۲۱۱۰۱۱۲۳۱
مدیر مسئول: خانم شکر دولتشاهی
صاحب امتیاز: بهمن عبدالهی
شرکت طراحان ایده نو پارس کیش
شماره ثبت: ۷۶۳۳
سردبیر: بهمن عبدالهی
ویراستار: لیلا اکبرپور
عکاس: امیررضا سیم ریز
طراحی گرافیک: س. امامی
اینستاگرام: @DOWLATKHANEH_KISH
آدرس: جزیره کیش، ۲۸سوله، خیابان دوم، پلاک ۳۳
تلفن: ۰۷۶۴۴۴۷۰۸۱۲
تلفن دریافت خبر و آگهی: ۰۹۳۳۷۶۹۵۳۲۳
سایت : WWW.DOWLATKHANEH.IR
ایمیل : DOLATKISH@YAHOO.COM
چاپ : مجتمع چاپ نوآوران محسن پور کیش
۰۹۱۱۱۱۱۳۹۲۶-۰۹۱۱۳۱۴۷۵۸۵

زینب پاشا اعتباری ابدی برای زنان شجاع ایران زمین

در طول تاریخ و در میان مردم ترک تبار آذربایجان "زن" همواره منزلت اجتماعی مهم و جایگاه بلندی داشته است، تا جایی که دراین سرزمین زنان همپای مردان در کارهای مهم اجتماعی و سیاسی شرکت داشته و در مواقعی به جایگاه شایسته‌ای نیز دست یافته‌اند.

"زینب پاشا"، نمونه‌ای شاخص از این زنان آذربایجان است که در مقطعی از تاریخ معاصرایران نقش قابل تأمل و ارزشمندی را در قبال جامعه خود ایفا نموده است.زینب‌پاشا معروف به"بی بی شاه زینب"، "زینب باجی"، "ده باشی زینب"، "زینب پاشا"، در محله قدیمی"عمو زین‌الدین*" تبریز و در یک خانواده روستایی به دنیا آمده است. پدرش شیخ سلیمان از افراد فقیر محله عمو زین‌الدین محسوب می‌گردید.

از زندگانی زینب پاشا در دوره کودکی و جوانی و از خانواده وی منابع، اطلاعات زیادی به دست نمی‌دهند، ولی آنچه مسلم است این نکته می‌باشد که "زینب پاشا" در رنج و عذاب و محنت و سختی روزگار گذرانیده و این چنین بوده است که صاحب اراده قوی و آهنین گشته است. دکتر سیروس برادران شکوهی (استاد تاریخ دانشگاه تبریز) در مورد کودکی وی به نکته جالبی‌اشاره کرده و می‌نویسد: زینب پاشا "... در کودکی در مکتب‌خانه محل درس خواند و به دلیل ماجراجویی و حساس بودن از دیگر همسالانش متمایز افتاد" با استناد به نوشته مذکور باید اذعان نمود که زینب پاشا از زنان باسواد و متفکر زمانه خود نیز محسوب می‌گردید، که‌این مسئله خود می تواند در بررسی علل قیام وی بر علیه استبداد و نابرابری در آن دوره مؤثر باشد.

در نشریه "آذربایجان" در مورد زینب پاشا آمده است: وی نمونه‌ای از زنان رشید و معروف تبریز می‌باشد که مانند بیشتر شخصیت‌های تاریخی آذربایجان راه به کتابها نیافته و فراموش شده است. زندگی و مبارزات این زن شجاع درهاله‌ای از ابهام فرو رفته، ولی به علت اهمیت قیامش، نام وی زنده و خودش نیز مشهور می‌باشد.

زینب پاشا پیشتاز بیداری زن قرنها ستمدیده ایرانی است، وی در دوره ناصرالدین شاه قاجار، مهر سکوت تاریخ را از لب برمی‌دارد و "برای اولین بار در تاریخ ایران با چهل نفر از شیر زنان تبریز علیه ستم پیشگان و به موازات آن علیه نابرابری‌های جنسی که نظام فئودالی و دیدگاه‌های سنتی بر زنان تحمیل کرده بود، به جنگ مسلحانه و پارتیزانی دست می‌زند و همه را در برابر دلاوری‌های شگفت انگیز خود به حیرت وا می‌دارد".

در فصلنامه " گنجینه اسناد" در مورد زینب پاشا آمده است: " چنین بر می آید که وی زنان را برمی‌انگیخت تا با نابرابری‌های اجتماعی و ستم چند لایه‌ای که بر زن وارد می‌شد، به پیکار بر خیزند" این زن بالیاقت تبریزی، چنان رشادتی از خود نشان داده بود که در حق وی ترانه‌ها و شعرها سروده شد و در طی این سالیان، این سروده‌ها، زبان به زبان در میان مردم گشته و امروزه به دست ما رسیده است. محتکران و گرانفروشان تبریز نیز ضربه های سختی از زینب پاشا متحمل شده‌اند. هنوز هم که هنوز است کهنسالان تبریزی هر زنی را که ابراز رشادتی کند، در تعریفاش می‌گویند:" زنی است مثل زینب پاشا" و هر وقت با محتکر آزمندی مواجه شوند و از عهده‌اش بر نیایند با حسرت می‌گویند: " فقط زینب پاشا از پس شما نامردان برمی‌آید". آری او زنی بود که طعم تلخ گرسنگی را چشیده و آگاه به ستم زمانه و به فکر سیر نمودن گرسنگان و بی چیزان و دشمن سرسخت محتکران و انبارداران شکمباره و" مشوق زنان علیه نابرابری‌ها و بی عدالتی های زمان بود".

در یکی از اشعاری که خلق در باره زینب و قهرمانی‌های وی سروده است، چنین آمده است:

"زینب پاشا الده زوپا اوز قویدی بازار اوستونه
گویا کی دشمن اوز قویوب اوردوی تاتار اوستونه
چادر شبین باغلوب بئله هم چیرمیوب قوللارینی
یاشماقیله دوتموش یوزینی، هم ساللانان پوللارینی
تنظیم ائدیب ئوز نقشه‌سین، هم گیتدیگی یوللارینی
فرمان وئریب یولداش‌لارین اویناتدی اغیار اوستونه.....
زینب پاشا الده زوپا اوز قویدی بازار اوستونه
بو ملتین هر حقینی اولدیقجا قاندیرماق گره‌ک
آنباردارین تکلیفینی چوخ یاخشی آندیرماق گره‌ک
آخیردا هیچ زاد اولماسا لاپ اودا یاندیرماق گره‌ک
آذوقه‌نی ییغمیش قویان دیناری دینار اوستونه..."

ترجمه فارسی‌اشعار به شرح زیر است:

{زینب پاشا چوبی به مشت، روی کرده بر بازارها}
گویا که رو کرده عدو بر اردوی تاتارها
چادر بسته بر کمر، بالا زده دستارها
رخ زیر دستارش نهان هم زیور و گوشوارها
تنظیم کرده نقشه‌اش هم راه و رسم کارها
فرمان یورش داده بر یاران، سوی غدارها
{زینب پاشا چوبی به مشت، روی کرده بر بازارها}
ملت به حق خویشتن باید همی‌آگه شود
باید بفهمد همچنین تکلیف خود انباردار
آخر نفهمیدش اگر، باید بسوزانی به نار
انباشته بر روی هم آذوقه و دینارها...
(بنگرید: ناهیدی آذر،۱۳۶۰،صص ۵۱-۵۲)

زینب پاشا در جریان نهضت تنباکو

"زینب پاشا" سردسته زنان شرکت کننده در نهضت تحریم تنباکو در شهر تبریز است." نخستین حضور او در چشم‌انداز تاریخ در جریان قیام و تحریم تنباکو است. تبریز به دنبال انتشار اعلان شرکت رژی از اوایل محرم ۱۳۰۹(قمری) به جوش و خروش در آمد و در اندک مدتی "متجاوز از بیست هزار نفر مسلح " شدند چنانکه سرانجام دربار قاجاری به متوقف شدن عملیات شرکت رژی در این شهر فرمان داد و در نتیجه طغیان رو به توسعه، در اواسط صفر همان سال فروکش کرد. به احتمال قوی زینب هم در همین دوره یک و نیم ماهه بوده که به قیامی‌که موجبات نگرانی جدی ناصرالدین شاه و رجال درباری را در تهران و تبریز فراهم آورده بود، پیوسته است مؤلف کتاب" قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت‌ایران" به نقل از شاهدان آن واقعه می‌نویسد: به طوریکه شنیده‌ام شهرت زینب پاشا از واقعه

رژی توتون به بعد بوده است. موقعی که ناصرالدین شاه امتیاز توتون را به انگلیسی‌ها داده بود در آذربایجان مردم از اجرای این امتیاز مانع شده بودند در آن ایام مرحوم حاج میرزا جواد مجتهد معروف و روحانی سیاسی که نفوذ فوق‌العاده داشته مریدان خود را به بازار اعزام و مردم را دعوت کرده بودند که دکاکین خود را ببندند و مردم هم اطاعت کرده بودند. پس از چند روز دولتیان مردم را مرعوب نموده و عرصه را به آنان تنگ نموده بودند در چنین روزگاری یک مرتبه عده‌ای زنان مسلح و با چادر نماز که گوشه‌های آن را به کمر بسته بودند در بازار ظاهر شده دست به اسلحه برده و بازار را مجددا بستند. پس از این واقعه هر وقتی که ظلم و ستم حکومت جابر از حد می‌گذشته دسته زن‌ها به سرپرستی زینب پاشا خروج کرده و کانون فساد را ویران نموده و پس از آن از نظرها پنهان می‌شدند و کسی هم به هویت آنان پی نمی‌برد.

بحران نان در تبریز و قیام زینب پاشا

"یکی از گرفتاری‌های زمان خودکامگی، انبارداری بوده که همیشه دیه دارانی گندم و جو را نفروختندی تا نان کمیاب و گران شدی و آن گاه به بهای بیشتر فروختندی. این کار، در سالهای پیش از مشروطه در آذربایجان رواج بسیار یافته بود" در تبریز نیز زینب پاشا و یارانش در چنین مواقعی در کار کشف انبارهای غلات مالکان و گشودن آنها و تقسیم گندم و جو احتکار شده بین خانواده‌های تنگدست فعال بوده‌اند. در این زمینه یکی از عملیات‌های مهم زینب پاشا و یارانش، مصادره انبار "میرزا عبدالرحیم قائم مقام"، پیشکار وقت آذربایجان (۱۳۱۳ ق) بوده است.

توضیح اینکه در قحطی که در اواخر دوره ناصرالدین شاه بر اثر احتکار گندم در تبریز بوجود آمد، زنان تصمیم به تظاهرات گرفتند. به گزارش "اسناد وزارت امور خارجه فرانسه" : "در حدود سه هزار زن چوب به دست، در بازارها به راه افتادند و کسبه را به بستن دکان و پیوستن به راهپیمایان مجبور کردند " حکومت قشون را خبر کرد، دستور تیراندازی داده شد " در دم پنج زن و یک سید کشته شدند " مردم در کنسولگری روس تحصن کردند...فردای همان روز تظاهرات را از سر گرفتند، این بار نیز سه زن کشته و تعدادی زخمی‌شدند. شعار نان تبدیل به شعار سیاسی و علیه سلطنت قاجارها شد. حکومت هراسید و بار دیگر عقب نشینی کرد.

شاعر گمنام "میرزا فرخ " که همزمان با این وقایع بوده، جریان فوق را در آن زمان به صورت شعر ترکی به نظم کشیده و زینب پاشا را رهبر این جنبش و حرکت معرفی کرده است.

یکی دیگر از عملیات‌های مردمی‌زینب پاشا و یارانش حمله به خانه نظام العلمای دیبا از رجال متنفذ دوره قاجاریه بوده است.

این واقعه از حوادث مهم دوره سلطنت مظفرالدین شاه در تبریز در سال ۱۳۱۶ قمری بوده است. لازم به ذکر است که مؤلف کتاب "رجال آذربایجان در عصر مشروطیت" تاراج خانه نظام‌العلما را ناشی از تحرکات امیر نظام گروسی که برای بار دوم به پیشکاری آذربایجان منصوب شده بود، دانسته و از آن به عنوان " غارت خانه محترمین" یاد کرده و همچنین احتکار غله توسط نظام العلما را نیز اتهامی‌از سوی امیر نظام دانسته است. این در حالی است که براساس منابع آن دوره معلوم می‌گردد که اولا: احتکار غله توسط نظالم العلما در آن زمان واقعیت داشته و اتهام نبوده است.

و از طرفی حرکات زنان تبریز به رهبری زینب پاشا بر علیه نظام العلما نه فقط صرفا به خاطر تحرکات امیر نظام و یا سایر عمال دولتی بوده، بلکه احتکار غله توسط وی در آن سالهای" بحران نان " خود می‌توانسته عامل مهمی برای عملیات زینب پاشا و یارانش بر علیه وی باشد. دکتر سیروس برادران شکوهی در این زمینه می‌نویسد: "جریان تالان خانه قائم مقام، خالوی نظام العلما و نقش زینب در این واقعه هنوز از یادها نرفته بود که بار دیگر مسئله نان در تبریز مشکل‌ها آفرید ولو این بار حب و بغض دست‌اندرکاران دولتی هم بی دخیل نبود، اما نطفه اولیه حرکت و شورش همانا کمیابی بلکه قحطی نان بوده است" و بدین‌سان بود که : " زینب باجی چادر خود را از سر برمی‌دارد و از آن علمی‌می‌سازد و پیشاپیش مردم حرکت می‌کند، خانه و انبار انباشته از گندم نظام العلما را گرفته و به مردم گرسنه می‌دهد"

عاقبت زینب پاشا

بنا به روایتی، آخرین حادثه قابل ذکر زندگی زینب پاشا را باید درگیری او با عساکر عثمانی در جریان مسافرتش به عتبات، که در اواخر عمرش روی داده، دانست. بعد از آن دیگر اطلاعی در باره زندگی او در دست نیست.زینب باجی با عده‌ای زوار به کربلا می‌رود و در خانقین عساکر عثمانی که برای تفتیش زوار آمده بودند، سختگیری می‌کنند "زینب باجی" از این رفتار آزرده شده و دست به عصیان می‌زند و دیگران را هم به دنبال خود می‌کشاند، به عساکر حمله می‌کند و انها ناگزیر به فرار می‌شوند و این خانم با قافله به کربلا می‌رود.

به نوشته اکثر منابع بعد ازاین واقعه از زینب پاشا دیگر خبری به دست نیامده است. به نظر می‌رسد که زینب پاشا در این آخرین سفر خود عاشقانه در حضور سالار جوانمردان، آرام گرفته و جان به جان آفرین تسلیم نموده است و پیکرش نیز هیچگاه به شهرش تبریز و زادگاهش "محله عمو زین‌الدین" منتقل نشده و در کربلا دفن شده است.

گفتنی است با توجه به برخی شواهد و تحقیقات میدانی، به نظر می‌رسد که زینب پاشا عمر طولانی داشته و لذا سفر آخر وی به کربلا گویا در اوایل دوران سلطنت احمد شاه اتفاق افتاده و وفات وی نیز دراین دوره بوده است.

قابل ذکر است که براساس تحقیقات میدانی نگارنده این سطور، زینب پاشا متاهل بوده و شوهر وی در محله عمو زین‌الدین تبریز به کار کشاورزی مشغول بوده است، همچنین زینب پاشا صاحب چند فرزند نیز بوده است. یکی از فرزندان وی پسری بوده که "عزیز" نام داشته است. از "عزیز" نیز چند فرزند به یادگار مانده بود که در محله عمو زین‌الدین زندگی می کردند و سالها پیش وفات نموده‌اند.

این مقاله را با مطلبی که در "دایره المعارف تشیع" در مورد این زن نامدار آذربایجانی نوشته شده به پایان می‌بریم. در این دایره‌المعارف و در ذیل "زینب پاشا" آمده است: از زنان سیاستمدار و سخنور، شجاع و مبارز تبریز، پس از تعطیل بازار تبریز در نهضت تنباکو به رهبری میرزای شیرازی و بازگشایی مجدد آن توسط مأموران دولتی، زینب پاشا بسیاری از زنان تبریز را گرد آورد و با سخنرانی‌های آتشین خود آنان را وارد میدان مبارزه و مأموران دولتی را تهدید به برخورد و جنگ مسلحانه خیابانی کرد.

در همین سالها به دلیل احتکار گندم از طرف مالکان، در تبریز قحطی شده بود و گرسنگی مردم را تهدید می‌کرد. به تحریک او زنان تبریز به انبارهای گندم محتکران حمله کردند و درب انبارها را گشودند و ذخایر انبارها را در اختیار نیازمندان و فقرا قرار دادند. او زنی مبارز بود که دربار قاجار را به هراس افکنده بود.

زنان برجسته و نام‌آور تاریخ معاصر ایران زمین

ادامه از صفحه ۵

۸۴. نوارت ماردیروس، نخستین زن دارنده گواهینامه (فوت: ۱۳۷۴)

خانم ماردیروس نخستین زنی است که در ایران در سال ۱۳۰۲ توانست گواهینامه رانندگی دریافت کند.

۸۵. پروانه مجد اسکندری (فروهر) ۱۳۷۷_۱۳۱۷

پروانه مجد اسکندری که بیشتر با نام پروانه فروهر شناخته شده است، به همراه همسرش داریوش فروهر ترور سیاسی شد. او نخستین زنی بود که به عضویت شورای مرکزی جبهه ملی ایران درآمد. پروانه و داریوش فروهر طی سالها مبارزه هیچ گاه از ایران خارج نشدند، تنها در سال ۱۳۵۷ به هنگام پیروزی انقلاب به پاریس رفتند و با هواپیمای آیت الله خمینی به تهران بازگشتند.

۸۶. مینو محرز، نخستین پزشک کارشناس ایدز (تولد: ۱۳۲۴)

دکتر محرز را در ایران و خاورمیانه به عنوان نخستین پزشک و کارشناس بیماری ایدز می‌شناسند. او فعالیتش در خصوص ایدز را از سال ۱۳۶۵ آغاز کرد.

۸۷. مهدیس محمودی گیلانی، نخستین سردفتر زن (تولد: ۱۳۴۴)

خانم گیلانی تحصیلاتش را در حوزه حقوق انجام داد و اولین حکم سردفتری در سال ۱۳۷۲ به نام او صادر شد.

۸۸. معصومه مقدم سلیمی، اولین زن چترباز (تولد ۱۳۲۳)

اولین زن چترباز در تهران متولد شد. او نخستین پروازش را به همراه ۲۰ پسر و دختر دیگر در سال ۱۳۴۴ در منطقه کهریزک انجام داد. او در سال ۱۳۵۴ به عنوان ناظر مسابقات جهانی ارتش‌های جهان شرکت کرد.

۸۹.فاطمه مقیمی، نخستین زن موسس شرکت حمل و نقل بین المللی (تولد: ۱۳۳۷)

خانم مقیمی در تهران متولد شد. او پس از تحصیل تصمیم به راه اندازی شرکت حمل و نقل بین المللی گرفت. اولین شرکت حمل و نقل بین المللی به ریاست یک زن در سال ۱۳۶۳ به نام خانم مقیمی ثبت شد.

۹۰. تاج الملوک مشکات حضرتی، اولین پزشک جراح زنان ۱۳۷۶_۱۲۹۴

نخستین پزشک جراح زنان از اعضای نخستین گروه دختران بود که وارد دانشکده پزشکی شد. او با کمک پسرعموی پدرش توانست اجازه تحصیل در دانشکده پزشکی را از رضا شاه بگیرد و در سال ۱۳۱۷ در دانشگاه تهران به تحصیل پزشکی پرداخت. او همزمان با کار در دو رشته جراحی زنان و عمومی تخصص گرفت.

۹۱. قمر الملوک وزیری (متولد: ۱۲۸۴ - درگذشت: ۱۳۳۸)

نخستین خواننده زن ایرانی بود که در صحنه ای همگانی، در برابر مردان آواز خواند و نخستین زنی است که بدون حجاب بر روی صحنه رفت. نخستین کنسرت قمر در سال ۱۳۰۳ در گراندهتل خیابان لاله زار اجرا شد و او تصنیف مرغ سحر ساخته مرتضی نی داود را اجرا کرد.

۹۲. مهرانگیز منوچهریان، نخستین زن سناتور ۱۳۴۹_۱۲۹۳

خانم منوچهریان نه تنها نخستین زن سناتور است بلکه نخستین زن ایرانی است که جایزه حقوق بشر سازمان ملل متحد را دریافت کرد. او در سال ۱۳۴۲ به عنوان اولین سناتور زن به چهارمین دوره مجلس سنا راه یافت. او همچنین به دلیل تلاش‌هایش در خصوص زنان و کودکان جایزه صلح حقوق بشرسازمان ملل را در سال ۱۳۴۷ دریافت کرد.

۹۳. ناهید فاطمی، اولین اسیر جنگی (تولد: ۱۳۳۲)

خانم فاطمی بیست روز پس از شروع جنگ ایران و عراق در خط مقدم به اسارت نیروهای عراقی درآمد و ۴۰ ماه در اسارت بود.

۹۴. رویا نجف زاده، اولین دادستان زن ۱۳۷۷_۱۳۲۴

خانم نجف زاده در تهران متولد شد، او در سال ۱۳۵۰ از رشته حقوق قضایی فارغ التحصیل شد. او در بخش‌های مختلف قضایی فعالیت کرد. آخرین سمت او با عنوان اولین ریاست کل دادگستری استان تهران در سال ۱۳۷۶ به وی اعطا شد.

۹۵.شمس الضحا، نشاط، نخستین زن دارنده مدال طلای فنی از هاروارد (تولد: ۱۲۹۷)

او دختر حاج میرزا صفی علیشاه مردی عارف و سرسلسله دراویش شاه نعمت الهی بود. آثار نقاشی و تابلوهای او سبب شد که گواهینامه و مدال طلای فنی دانشگاه هاروارد را دریافت کند و در آمریکا و بلژیک نیز صاحب مدال شود.

۹۶. لیلا نوربخش، نخستین داروساز و دایرکننده داروخانه شبانه روزی ۱۳۰۳_۱۳۸۱

خانم نوربخش در تهران متولد شد. در رشته داروسازی دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد. او نخستین زنی بود که داروخانه شبانه روزی در حسن آباد دایر کرد.

۹۷. پریسا تبریز

یکی دیگر از زنان موفق ایران پریسا تبریز "شاهزاده امنیت" گوگل است و این عنوان رسمی شغل او است! او به عنوان مهندس نرم افزار بیش از ۷ سال در زمینه هک برای تیم امنیتی گوگل کار کرده است. او به عنوان یک مهندس، حفره های امنیتی را در برنامه های وب گوگل پیدا کرده و بسته است و به مهندسین دیگر نیز یاد داد که چگونه این کار را انجام دهند.

امروزه، پریسا تیم امنیتی گوگل کروم را مدیریت می کند، گروهی از مهندسان که در سطح جهانی توزیع شده اند و هدف آنها این است که Chrome امن ترین مرورگر باشد و کاربران را در هنگام وب گردی ایمن نگه دارد. پریسا از زنان موفق ایران، دارای کارشناسی و کارشناسی ارشد در علوم کامپیوتر از دانشگاه ایلینوی (Urbana Champaign) ، و همچنین مدرک ساخت ژلاتو از دانشگاه Gelato است.

۹۸. لرتا هایراپتیان، نخستین هنرمند تئاتر، ۱۳۷۷_۱۳۰۵

نخستین هنرمند تئاتر در زرگنده تهران متولد شد. او نخستین ایرانی بود که به گونه حرفه ای بازیگری را آغاز کرد.

۹۹. برسابه هوسپیان، موسس اولین کودکستان، ۱۳۶۸_۱۲۹۶

خانم هوسپیان در چهارمحال و بختیاری متولد شد و او پس از پایان تحصیلش، تدریس را آغاز کرد و همزمان با آن کارهای هنری از جمله همکاری با تئاتر را نیز انجام می‌داد. او اولین کودکستان ایران را در سال ۱۳۱۰ به نام برسابه تاسیس کرد.

۱۰۰. گنار یبلوئی، نخستین کدخدای زن

اولین کدخدای زن ایران در سال ۱۳۴۲ با حکم فرماندار یکی از مناطق اصفهان به عنوان کدخدا انتخاب شد، او در سن ۳۵ سالگی به عنوان نخستین کدخدای زن در ایران به این سمت برگزیده شد.